

۱۹۱۷۸۸

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آشایب با تاریخ و کلیات فقه امامیه

(به همراه تیسرہ تبصرۃ المتعلمین علامہ حلی)

مؤلف مترجم: حمید نیک فک

انتشارات چتر دانش

۱۳۹۷

سرشناسه : علامه حلی، حسن بن یوسف، ۶۴۸ - ۷۲۶ ق.

عنوان قراردادی : تبصرة المتعلمين في احكام الدين. فارسی

عنوان و نام پدیدآور : آشنایی با تاریخ و کلیات فقه امامیه (به همراه ترجمه تبصرة المتعلمين علامه حلی) / تألیف و ترجمه حمید نیک فکر.

مشخصات نشر : تهران: چتر دانش، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ۲۶۲ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۲۳۱-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت : بخش عمده‌ی کتاب ترجمه‌ی «تبصرة المتعلمين» اثر علامه حلی است.

موضوع : فقه جعفری -- قرن ۸ ق.

موضوع : Islamic law, Ja'fari -- ۱۴th century

موضوع : فقه جعفری

موضوع : Islamic law, Ja'fari

موضوع : فقه جعفری -- تاریخ

موضوع : Islamic law, Ja'fari -- history

شناسه افزوده : نیک فکر، حمید، ۱۳۶۱ - مترجم

رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ ۲۰۱/۳/ع BP1۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۱۵۹۹۶

نام کتاب : آشنایی با تاریخ و کلیات فقه امامیه (به همراه ترجمه تبصرة المتعلمين علامه حلی)

ناشر : چتر دانش

مؤلف مترجم : حمید نیک فکر

نوبت و سال چاپ : اول - ۱۳۹۷

شمارگان : ۱۰۰۰

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۲۳۱-۵

قیمت : ۲۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه‌ی حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

فهرست

۵.....	مقدمه
۱۰.....	بخش اول: آشنایی با اصطلاحات و تاریخ فقه
۱۱.....	فصل اول: اصطلاحات فقهی
۲۱.....	فصل دوم: ادوار و تاریخ فقه شیعه
۴۵.....	بخش دوم: ترجمه تبصرة المتعلمین علامه حلی
۴۶.....	کتاب طهارت
۶۰.....	کتاب نماز
۸۰.....	کتاب زکات
۸۸.....	کتاب روزه
۹۵.....	کتاب حج
۱۱۳.....	کتاب جهاد
۱۱۸.....	کتاب متاجر
۱۳۵.....	کتاب اجاره و ودیعه و توابع آن
۱۵۰.....	کتاب دیون
۱۶۴.....	کتاب هبه و توابعش [وقف و وصیت]
۱۷۳.....	کتاب نکاح
۱۸۹.....	کتاب فراق
۱۹۷.....	کتاب عتق [آزاد کردن بنده]
۲۰۱.....	کتاب ایمان
۲۰۵.....	کتاب صید و توابعش [خوراکی‌های حلال و حرام]
۲۱۱.....	کتاب میراث
۲۲۴.....	کتاب قضاوت و شهادات و حدود
۲۴۱.....	کتاب قصاص و دیه‌ها
۲۵۹.....	نمایه اشخاص
۲۶۱.....	کتابنامه

مقدمه

کتاب حاضر، جهت آشنایی با یک دوره از آنچه که در فقه مورد بحث واقع می شود، به رشته تحریر در آمده است؛ و نگاهی به موضوع، اهداف، ابواب و تاریخ فقه دارد و سپس یک دوره از فقه (از طهارت تا دیات)، به صورت بیانی بسیار ساده و روان، بیان شده است. این کتاب برای آشنایی مقدماتی با مبانی فقه، مفید است و در توصیف آن همین بس که مؤلف متن عربی بخش دوم (ابواب فقه)، عمر خود را جهت اعتلای معارف حقه ی جعفری گذرانده است و اولین فردی است که به لقب «علامه» شناخته شده است.

در ادامه پس از ارائه ی توضیحات مختصری برای آشنایی بیشتر خوانندگان ارجمند با علم فقه، به معرفی علامه حلی خواهیم پرداخت و در پایان نیز نکاتی را در خصوص کتاب حاضر، متذکر خواهیم شد.

گفتار اول: معرفی علم فقه

علم فقه از ابتدای پیدایی اسلام، مورد توجه دانشمندان قرار گرفت و شروع به گسترش و رشد نمود تا جایی که به عنوان مسیح تربی علم از علوم اسلامی، شناخته می شود. برخی از ویژگی های علم فقه عبارتند از: ۱. گسترش و فراگیر بودن فقه، در شاخه ها و بسترهای گوناگون مانند حقوق مدنی، حقوق جزایی، اقتصادی، سیاسی و... که در میان ابواب مختلف فقه، با نام های دیگر، پراکنده هستند. ۲. عدم تعلق قوانین اسلامی به نژاد و قبیله خاص و عدم محدودیت در زمان و مکان. ۳. بویا بودن و جواب گویی نسبت به مطالب و مسائل در همه زمان ها و شرایط، بخصوص نیازها و خواسته های بشر که در گذشته مطرح نبوده اند؛ به طوری که در حالات و نیازهای روزمره و عوض شدن ذائقه و تغییر درخواست های انسان همانند تلقیح مصنوعی و شبیه سازی. ۴. انجام دادن دستورات فقهی، سبب به دست آوردن رضایت الهی می شود و رضایت الهی نیز، سببی می شود تا از عذاب، در امان باشیم و به سعادت دنیوی و اخروی نائل شویم.

گفتار دوم: گزیده ای از حیات علامه حلی

ابومنصور جمال الدین، حسن بن یوسف بن مطهر حلی معروف به علامه حلی، از مای شیعه در قرن هشتم قمری بود.

وی در شب جمعه ۲۹ رمضان ۶۴۸ قمری، در شهر حله^۱ به دنیا آمد. نیاکان او از طرف پدر به اهل مطهر که خاندانی اهل تقوا و دانش بوده اند می رسد؛ همچنین از طرف مادر با محقق حلی که دایی او بوده پیوند دارد. مادرش بانویی نیکوکار و عقیف، دختر حسن بن یحیی بن حسن حلی و خواهر محقق حلی است و پدرش شیخ یوسف سدیدالدین از دانشمندان و فقهای عصر خویش در شهر فقاقت حله است.

۱. حله شهری شیعه نشین واقع در کشور عراق بین نجف و کربلا و در ۹۳ کیلومتری جنوب بغداد قرار دارد که رودخانه ی فرات از میان آن می گذرد و ویرانه های شهر باستانی بابل در شمال آن به چشم می خورد. حله در لغت به معنی محل اجتماع مردم یا منزلگاه است و آن نامی است که شیعیان بر این شهر نهاده اند و پیش از آن «جامعین» خوانده می شده است.

وی چند سال بیشتر نداشته که با راهنمایی پدرش برای یادگیری قرآن به مکتب می‌رود و خواندن و نوشتن را در مکتب می‌آموزد ولی به این مقدار راضی نشده و نزد استادی به نام محرم رفته و کتابت خط را به خوبی نزد او فرا می‌گیرد. سپس مقدمات و ادبیات عرب و علوم فقه، اصول فقه، حدیث و کلام را نزد پدرش شیخ یوسف سدیدالدین و داییش می‌آموزد، او در ادامه، علوم منطق و هیئت و کلام را نزد اساتید دیگرش بویژه خواجه نصیرالدین طوسی می‌آموزد و قبل از رسیدن به سن بلوغ به درجه‌ی اجتهاد نایل می‌شود و به سبب کسب فضیلت‌های بسیار در سن کم در نزد خانواده و دانشمندان به جمال‌الدین مشهور می‌شود.

پس از رحلت محقق حلی در سال ۶۷۶ قمری که مرجعیت شیعیان را برعهده داشت، شاگردان وی و دانشمندان حله پس از جستجوی فردی که شایستگی زعامت و مرجعیت شیعیان را داشته باشد علامه حلی را برای این امر مهم، مناسب یافتند و او در ۲۸ سالگی زعامت و مرجعیت شیعیان را بر عهده گرفت. تاریخ حلیق ورود او به ایران مشخص نیست اما احتمال می‌رود که سالهای بعد از ۷۰۵ قمری بوده است که او به دعوت الیه یو از پادشاهان سلسله‌ی ایلخانیان که حاکم بر ایران بودند به ایران دعوت می‌شود؛ علت دعوت از علامه این بوده است که در یکی از روزها سلطان در پی ناراحتی شدید از روی خشم یکی از زنانش را در یک مجلس سرطانه کُرد! پس از مدتی پشیمان شد و از دانشمندان سنی مذهب درباری از حکم چنین طلافی استوار کرد. آن‌ها در پاسخ گفتند: آن زن، دیگر همسر شما نیست.

یکی از وزرا گفت: در شهر سه فقیه‌ی است که فتوا به باطل بودن این طلاق می‌دهد. فقیه‌ی را که آن وزیر پیشنهاد داد، علامه حلی بود. از آن‌رو سلطان از علامه دعوت کرد و قاصدان به شهر حله رفتند و علامه حلی را همراه خود به مرکز حکومت آوردند. سر چند زمان مسافرت علامه به ایران به طور دقیق روشن نیست ولی ممکن است پس از سالهای ۷۰۵ قمری باشد.

علامه پس از ورود به ایران، در اولین جلسه‌ای که سلطان تشکیل داد شرکت کرد و بدون توجه به مجلس شاهانه، با برخورد علمی و پاسخهای دقیق و محکمی که به پادشاه می‌گفت دانشمندان و پیروان مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت را به پذیرش نظر خویش ملزم کرد و در خصوص طلاق طاهر همسر شاه فرمود: طلاق باطل است چون شرط طلاق، باطل است زیرا شرط طلاق، که حضور دو شاهد عادل باشد فراهم نبوده است.

شاه با خوشحالی از این فتوا، از قدرت علامه‌ی حلی در بحث و مناظره، سراجی، لهجه، حضور ذهن قوی، دانش و اطلاعاتی که داشت و با شهامت و دلیل‌های روشن صحت نسبت خودش را ثابت می‌کرد خوشش آمد، علاقه‌ی وافری به فقیه شیعی پیدا کرد.

حضور علامه حلی در ایران و مرکز حکومت مغولان خیر و برکت بود و با زمینه‌هایی که حاکم مغول برای وی به وجود آورده بود کمال بهره را برد و به دفاع از امامت و ولایت ائمه معصومین (علیهم‌السلام) برخاست. از این رو بزرگترین جلسه‌ی مناظره با حضور اندیشمندان شیعی و علمای مذاهب مختلف برگزار شد. از طرف علمای اهل سنت خواجه نظام‌الدین عبدالملک مراغه‌ای که از علمای شافعی و داناترین آنها بود برگزیده شد. علامه حلی با وی در بحث امامت مناظره کرد و خلافت بلافصل مولا علی (علیه‌السلام) بعد از رسالت پیامبر اسلام را ثابت نمود و با دلیل‌های بسیار محکم برتری مذهب شیعه‌ی امامیه را چنان روشن ساخت که جای هیچ‌گونه تردید و شبهه‌ای برای حاضران باقی نماند.

پس از جلسات بحث و مناظره و اثبات حقانیت مذهب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، اولجایتو مذهب شیعه را انتخاب کرد و به لقب «سلطان محمد خدابنده» معروف گشت.^۱ پس از اعلان تشیع وی، در سراسر ایران مذهب اهل بیت (علیهم السلام) منتشر شد و سلطان به نام دوازده امام خطبه خواند و دستور داد در تمام شهرها به نام مقدس ائمه معصومین (علیهم السلام) سکه زنند و سر در مساجد و اماکن مشرفه به نام ائمه مزین گردد. تا زمان مرگ سلطان محمد خدابنده علامه در ایران می ماند و به نشر معارف و فرهنگ تشیع می پردازد. در تمامی مسافرتها ملازم وی می شود و به پیشنهاد سلطان مدرسه سیاری از خیمه و چادر ساخته می شود که در تمام مسافرتها حمل شده و در هر جا که کاروان اقامت می کرده علامه به تدریس و مباحثه مشغول می شده است.^۲

استادان

به اختصار به نام چند تن از اساتید بزرگوار ایشان اشاره می کنیم :

شیخ یوسف سید الدین (مرش)

محقق حلی (دائی علامه) (۶۰۲ - ۶۷۶ ق)

سید رضی الدین علی بن طاووس (۷ - ۶۶۴ ق)

سید احمد بن طاووس (متوفای ۶۰۳ ق)

خواجه نصیر الدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷ ق)

یحیی بن سعید حلی (متوفای ۶۹۰ ق)

مفید الدین محمد بن جهم حلی

کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی (۶۲۶ - ۶۷۹ ق)

جمال الدین حسین بن ایاز نحوی (متوفای ۶۸۱ ق)

۱. میرزا محمد علی مدرس در کتاب ریحانة الادب به نقل از علامه مجلسی در شرح من لایحضر الفقه می یسد: روزی سلطان الجایتو محمد مغولی مجلسی تشکیل داد و علمای مذاهب اربعه اهل سنت را جمع کرد و علامه حلی را نیز فرا خواند. علامه در هنگام ورود کفشش را زیر بغل گرفت و به سلطان سلام کرد و در کنار او نشست. به او گفتند چرا به سلطان سلام نکردی؟ گفت: حضرت رسول الله سلطان السلاطین بود و مردم به او سلام می کردند و در آیه شریفه هم آمده است «إِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَیْ أَنْفُسِكُمْ تَحِیَّةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَیِّبَةٌ». علاوه بر اینکه در میان ما و شما اختلافی نیست که سجده مخصوص خداست. گفتند چرا کنار سلطان نشستی؟ گفت: چون غیر از آنجا جای خالی ندیدم و حدیث نبوی است که در حین ورود به مجلس، هر جای خالی یافتی بنشین. گفتند: نعلین چه ارزشی داشت که آن را به مجلس سلطان آوردی؟ گفت: ترسیدم حنفی مذهب آن را بدزدد چنان که رئیسشان کفش پیامبر (ص) را زدزدید. حنفی ها معترض شدند که ابوحنیفه در زمان آن حضرت وجود نداشته است. علامه گفت فراموشم شد! گویا دزد کفش، شافعی بوده است.

همین گفت و گو و اعتراض درباره ی شافعیان، مالکیان و حنبلیان تکرار شد. علامه رو به سلطان کرد و گفت: حالا مکتوف شد که هیچ یک از رؤسای مذاهب اربعه در زمان پیامبر (ص) نبوده است و آرای آنان، رأی و نظر اختراعی خودشان است، اما مذهب شیعه تابع امیرالمؤمنین است که وصی و برادر آن حضرت بوده و به منزله ی نفس و جان وی است. علامه در ادامه ی مناظره، خطبه ی بلینی خواند و سلطان در انتهای مناظره شیعه شد. مدرس، محمدعلی، ریحانة الادب، ج ۳ و ۴، ص ۱۶۹.

۲. خوانندمیر، تاریخ حبیب السیر، ج ۳، ص ۱۹۷؛ شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۳۶۰.